



Theoretical Foundations and the Effect of the Forfeiture Clause in Insurance Contracts

Mohammad Karbalai Pazki¹ 

1. Doctoral student of private law, University of Tehran, judge, mkarbalaei68@yahoo.com

Article Info		Abstract	
Article type: Research Article		The forfeiture of rights serves as a general remedy for the policyholder's obligations before, during, or after the insured event. However, since this remedy is contingent upon a breach of obligations by the policyholder, it typically becomes effective only after the occurrence of the event that is the subject of the insurance contract. The insured's right to claim compensation or receive insurance benefits is forfeited based on an act typically constituting a breach of obligation by the insured. The French legislator has not explicitly stipulated cases of forfeiture of rights within insurance law; however, it has recognized the insurer's right to include a forfeiture clause. In the common law system, forfeiture clauses are mainly discussed in the form of "warranty clauses."In Iranian law, Article 15 of the Insurance Law provides provisions regarding the obligation to notify the occurrence of an incident and to take measures to mitigate damages. This research aims to describe, analyze, and elucidate the theoretical foundations and conditions affecting the waiver of rights in insurance contracts. In this research, library-based, descriptive, and analytical methods were employed, resulting in the conclusion that the jurisprudential basis for the condition of the forfeiture of rights is the "rule of acting to harm," while its legal basis is private punishment. The effect of this enforcement mechanism on the parties to the insurance contract must be examined in light of the distinction between intentional breach of obligation or proof of breach of obligation and the causal relationship between the breach of obligation and the resulting damage.	
Received: 2024/08/27			
Received in revised form: 2024/09/23			
Accepted: 2024/10/03			
Keywords: <i>Condition of Right Extinction, Principle of Action, Intentional Breach of Obligation, Private Punishment, Causal Relationship.</i>			
How To Site		Karbalai Pazki, Mohammad (2024). Theoretical Foundations and the Effect of the Forfeiture Clause in Insurance Contracts . <i>Journal of Judgment</i> , 117(1), 58-70. http://doi.org/10.22034/judg.2024.2039712.1323	
DOI		10.22034/judg.2024.2039712.1323	
Publisher		University of Tehran Press	
			

مبانی نظری و اثر شرط سقوط حق در قرارداد بیمه

محمد کربلایی پازکی^۱

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، قاضی دادگستری، رایانامه: mkarbalaei68@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله
سقوط حق ضمانت اجرای عمومی تعهدات بیمه‌گذار قبل، حین یا پس از حادثه موضوع قرارداد است، اما از آنجا که این ضمانت اجرا معلق به نقض تعهد از سوی بیمه‌گذار است، به‌طور معمول پس از وقوع حادثه موضوع قرارداد بیمه فعلیت می‌یابد. سقوط حق بیمه‌گذار نسبت به جبران خسارات یا دریافت حقوق بیمه‌ای بر مبنای امری که نوعاً نقض تعهد از سوی بیمه‌گذار است، واقع می‌گردد. قانونگذار فرانسوی در قانون بیمه موارد سقوط حق را مقرر نداشته، لیکن حق بیمه‌گر را جهت درج شرط سقوط حق را به رسمیت شناخته است. شرط سقوط حق در نظام کاملاً بیشتر در قالب «شروط وارانتی» مورد بحث قرار گرفته است. در حقوق ایران در ماده ۱۵ قانون بیمه، این حکم در مورد تعهد اطلاع‌رسانی وقوع حادثه و تلاش در جهت مقابله با خسارت، پیش‌بینی شده است. این پژوهش درصدد توصیف، تحلیل و تبیین مبانی نظری و شرایط تأثیر شرط سقوط حق در قرارداد بیمه است. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی استفاده شده و نتیجه آن شد که مبنای فقهی شرط سقوط حق «قاعده اقدام به زیان» و مبنای حقوقی آن، مجازات خصوصی است. اثر این ضمانت اجرا نسبت به طرفین قرارداد بیمه را باید میان نقض تعهد عمدی یا اثبات نقض تعهد و رابطه سببیت میان نقض تعهد و ورود زیان جست‌وجو کرد.	نوع مقاله: علمی - تخصصی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۲ کلیدواژه: شرط سقوط حق، قاعده اقدام، نقض تعهد به عمد، مجازات خصوصی، رابطه سببیت.
کربلایی پازکی، محمد (۱۴۰۳). مبانی نظری و اثر شرط سقوط حق در قرارداد بیمه، فصلنامه قضاوت، ۱۱۷ (۷۰-۵۸). http://doi.org/10.22034/judg.2024.2039712.1323	استناد
10.22034/judg.2024.2039712.1323	DOI
	ناشر
انتشارات دادگستری کل استان تهران	

مقدمه

سقوط حق در قرارداد بیمه به عنوان ضمانت اجرای نقض تعهد قراردادی تعیین می گردد و به مفهوم آن است که ضمن قرارداد بیمه، شرط شود که در فرض نقض تعهد معین از سوی بیمه گذار که به طور معمول پس از وقوع حادثه موضوع قرارداد بیمه واقع می شود، حق وی بر مطالبه جبران خسارت و تعهد بیمه گذار ساقط شود. سقوط حق ضمانت اجرای اصلی و اختصاصی عقد بیمه است و باعث می شود که بیمه گذار حقی را که به موجب قرارداد بر خسارت دارد، از دست بدهد، حال آنکه خود باید به تعهداتش در برابر بیمه گر - خصوصاً پرداخت وجه بیمه - وفادار بماند. بدین ترتیب در موارد سقوط، تنها بیمه گر است که زیان آن حادثه را نمی دهد.

اهمیت پرداختن به ابعاد این ضمانت اجرا آن است که اولاً این ضمانت اجرا سبب سقوط مهم ترین اثر قرارداد بیمه یعنی جبران خسارت است، لیکن علی رغم آنکه اثر آن سقوط احد عوضین قراردادی است، منتهی به انحلال قرارداد نمی گردد. ثانیاً حقوق بیمه در ادبیات حقوقی ایران فاقد سابقه غنی است، حال آنکه در حقوق خارجی نسبت به این ضمانت اجرا تحلیل های مختلف انجام شده و راهکار مقابله با آن متناسب با تحولات حقوقی ارائه شده است. ثالثاً این ضمانت اجرا به صورت گسترده در قراردادهای بیمه مورد استفاده قرار گرفته و با توجه به ماهیت الحاقی قرارداد مذکور و طرف برتر قرارداد بودن بیمه گر، ضرورت پرداختن به تحلیل مسئله روشن است.

بر این بنیاد و با توجه به توضیحات پیش گفته، پرسش بنیادین آن است که مبانی نظری این شرط چیست؟ شرایط نفوذ آن کدام است؟ در فرض نفوذ شرط در رابطه طرفین قرارداد بیمه، آیا برابر ثالث زیان دیده قابل استناد است؟ درخصوص این موضوع مقاله یا کتابی که به صورت اختصاصی به بحث پرداخته باشد، به زیان فارسی وجود ندارد. تنها اثر قابل اشاره مقاله «شرط سقوط حق در قرارداد بیمه» است که به مفهوم این شرط در قرارداد بیمه پرداخته است. پژوهش حاضر با تکیه بر گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی مبانی فقهی و حقوقی و شرایط نفوذ شرط سقوط حق در قرارداد بیمه پرداخته است.

۱. مبانی نظری شرط سقوط حق در قرارداد بیمه

سقوط حق به عنوان ضمانت اجرا، سبب سقوط مهم ترین اثر قرارداد بیمه یعنی تضمین جبران خسارت است. این ضمانت اجرا به گونه ای قابل تحدید و کنترل است، لیکن با توجه به جنبه خاص این ضمانت اجرا، ضروری است تا مبانی و پشتوانه فقهی و حقوقی آن بررسی شود.

۱-۱. شروط

قانونگذار فرانسوی در ماده ۱۱۳-۲^۱ قانون بیمه فرانسه، تعیین سقوط حق را به صورت شرط قراردادی معتبر دانسته است (Lamber – Faviver (yvonne), 2017, p.428). بدین ترتیب سقوط حق شرط ضمن عقد محسوب می شود که اولاً مرتبط با محتوای عقد و در قالب شرط فعل است و ثانیاً ایجاد حق برای بیمه گر می کند؛ لیکن حقی که برای بیمه گر ایجاد می شود، خلاف قواعد عمومی حاکم بر نقض شرط فعل از جمله وجوب اقدام به شرط از سوی مشروط علیه، جواز اجبار ممتنع و تحقق خیار فسخ برای مشروط له در فرض عدم امکان اجبار ممتنع یا انجام آن توسط شخص است.^۲ یعنی بر

^۱. Article 113-2: "Lorsqu'elle est prévue par une clause du contrat, la déchéance..."

^۲. مواد ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی

خلاف قواعد مذکور، بیمه‌گر عوض مراجعه جهت الزام بیمه‌گذار به ایفای تعهد قراردادی، سقوط حق وی بر مطالبه جبران خسارت را درحالی که قرارداد باقی است، شرط می‌کند. این امر علی‌القاعده می‌تواند شامل عموم ادله شرعی نفوذ شرط شود. در حقوق بیمه فرانسه سقوط حق یک ضمانت اجرا قراردادی است.^۱

۲-۱. اقدام

در قرارداد بیمه، چنانچه بیمه‌گذار در فرض وقوع حادثه با علم و آگاهی از وجود شرط سقوط حق، ایفای تعهد قراردادی نکند، حق خود بر مطالبه خسارت را از دست می‌دهد، از این جهت که بیمه‌گذار با اقدام خود موجب از بین رفتن حرمت مالش شده است.^۲

۳-۱. مسئولیت مدنی

در فرض تعیین تعهدات مشخص برای بیمه‌گذار پس از انعقاد قرارداد بیمه، او مکلف به ایفای تعهد قراردادی است. مع‌الوصف چنانچه نقض تعهد واقع گردد و از آن، خسارتی - که همان پرداخت وجه به بیمه‌گذار یا ثالث است - متوجه بیمه‌گر شود، بیمه‌گر می‌تواند به سقوط حق بیمه‌گذار در مطالبه جبران خسارت استناد کند. به عبارت دیگر، سقوط حق نتیجه التزام بیمه‌گذار به جبران خسارتی است که در نتیجه اجرا نشدن قرارداد به طرف او وارد آمده است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۱۳۲). خسارت به‌طور معمول با دادن مبلغی پول جبران می‌شود، لیکن در قرارداد بیمه، جبران خسارت برخلاف معمول و در قالب سقوط حق تعیین و تعریف می‌گردد. سقوط حق از این حیث به مسئولیت مدنی نزدیک می‌شود.

۴-۱. تنبیه و مجازات خصوصی

تنبیه و مجازات خصوصی مبنای مهم دیگر برخورد با ناقض تعهد قراردادی است. در حقوق بیمه فرانسه - به‌عنوان خاستگاه این ضمانت اجرا - جنبه تنبیهی در سقوط حق - چه در عقد بیمه^۳ و چه خارج از روابط قراردادی^۴ - قابل اشاره است و در تعاریف و متون حقوقی به صراحت به این موضوع اشاره شده که سقوط حق تنبیه ذی‌حق است (sautel, 1999, p.487; Mayaux, 2007, p.58).^۵

سقوط حق به مجازات خصوصی نزدیک است، زیرا ضمانت اجرای مقطوعی است که در قبال عدم انجام تعهد قراردادی ایجاد می‌شود و با میزان خسارت وارده در اثر نقض تعهد، بی‌ارتباط است و از سوی دیگر، هدف آن وادار کردن متعهد به انجام هرچه دقیق‌تر تعهد است (Picard et Besson, 1975, p.123).

۲. اثر ضمانت اجرای سقوط حق در قرارداد بیمه

اثر شرط سقوط حق سقوط حق بیمه‌گذار در مطالبه جبران خسارت است. نخستین موضوع استثنای سقوط حق و مسئله بعد نحوه سقوط حق است که آیا مطلقاً واقع می‌شود یا به نسبت تقصیر و خسارت وارده به بیمه‌گر قابل اعمال است.

^۱ La Decheance es une sanction conventionnelle

^۲ به‌عنوان مثال، چنانچه شخص با آگاهی از غبن فاحش اقدام به فروش، خرید یا اجاره کند، نه حق خیار دارد و نه می‌تواند خسارت مطالبه کند، به این علت که به زیان خود اقدام کرده است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۵).

^۳ La Decheance est la perte du droit a la garantie

^۴ بند ۲ ماده ۴۲ قانون تجارت فرانسه به سقوط حق اعتراض سهامداری که در مدت معین به تصمیمات مجمع عمومی اعتراض نمی‌کند، اشاره دارد.

^۵ Celui qui est déchu est « puni »; la déchéance serait une véritable peine privée.

۲-۱. استثنای شرط سقوط حق

با توجه به اثر نقض تعهد بیمه‌گذار در قرارداد بیمه، مواردی وجود دارد که نقض تعهد سبب سقوط حق بیمه‌گذار نخواهد شد. در ادامه این موارد بررسی می‌شود.

الف) انصراف بیمه‌گر از استناد به سقوط حق

انصراف صریح و آگاهانه بیمه‌گر از استناد به سقوط حق ممکن است از تعیین کارشناس، پیشنهاد پرداخت به قربانی و به‌طور خلاصه تمام اعمالی که به موجب آن بیمه‌گر صراحتاً تضمین جبران خسارت را بر عهده می‌گیرد، استنباط شود. البته این انصراف در فرض علم بیمه‌گر به نقض تعهد بیمه‌گذار خواهد بود. به‌عنوان مثال، دخالت بیمه‌گر در اداره دادرسی در بیمه مسئولیت مدنی به معنی انصراف وی از استناد به سقوط حق است. به موجب ماده ۱۱۱۳-۱۷ قانون بیمه فرانسه، فرض این است که بیمه‌گری که اداره دعوای اقامه شده علیه بیمه‌گذار را بر عهده می‌گیرد، با این اقدام از تمام ایراداتی که به هنگام بر عهده گرفتن دعوا به آنها عالم بوده، انصراف داده است.^۱

ب) وجود عذر قانونی

بیمه‌گذار می‌تواند به معاذیر قانونی که مانع ایفای تعهد شده، استناد کند. به‌عنوان مثال، در رابطه تعهد اطلاع‌رسانی وقوع حادثه توسط بیمه‌گذار به بیمه‌گر، مطابق ماده ۱۵ قانون بیمه ایران اگر بیمه‌گذار اثبات کند که به‌واسطه حوادثی که خارج از اختیار او بوده، اطلاع به بیمه‌گر برای او مقدور نبوده است، تعهد بیمه‌گر به قوت خود باقی است. مصادیق عذر موجه در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی ایران تعیین شده است (شمس، ۱۳۹۴، ص ۲۹۵). بدین ترتیب اگر بیمه‌گذار اثبات کند که نقض تعهد به جهت یکی از معاذیر مندرج در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی واقع شده، می‌تواند پس از رفع مانع، ایفای تعهد کند و مطالبه جبران خسارت از بیمه‌گر نماید (شکوهی‌زاده و صادقی مقدم، ۱۳۹۲، ص ۲۶۰).

۲-۲. اقسام اثر ضمانت اجرای سقوط حق

اثر ضمانت اجرای سقوط حق در دو فرض قابل بررسی است: سقوط حق مطلق و سقوط حق نسبی. در ذیل دو فرض مذکور بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. سقوط حق مطلق

مقصود از سقوط حق مطلق آن است که نقض تعهد بیمه‌گذار بدون آنکه ارتباطی با خسارت وارده داشته باشد، سبب سقوط تعهد بیمه‌گر می‌شود. طبق این نظر، مبنای شرط سقوط حق جنبه تنبیهی آن است که در مبنای به آن اشاره شد. این دیدگاه بر این عقیده است که شرط سقوط تعهد بیمه‌گر زمانی مؤثر است که نقض عمدی تعهدات قراردادی توسط بیمه‌گذار محقق شود؛ هرچند قانون بیمه ۱۹۰۶ انگلستان حتی در فرض عدم انجام تعهد نیز قائل به سقوط تعهد بیمه‌گر بوده است.

^۱. ARTICLE 113-17: L'assureur qui prend la direction d'un procès intenté à l'assuré est censé aussi renoncer à toutes les exceptions dont il avait connaissance lorsqu'il a pris la direction du procès. L'assuré n'encourt aucune déchéance ni aucune autre sanction du fait de son immixtion dans la direction du procès s'il avait intérêt à le faire.

الف) عدم انجام تعهد

فرض اول در اثر ضمانت اجرای سقوط حق به صورت مطلق آن است که این ضمانت اجرا به محض عدم انجام قرارداد محقق خواهد شد و نقض یا عدم نقض تعهد (منسوب بودن عدم اجرای قرارداد به بیمه‌گذار) تأثیری در اعمال ضمانت اجرا ندارد. مصداق این دیدگاه را می‌توان قانون بیمه دریایی ۱۹۰۶ انگلستان در نقض وارانته دانست. مطابق قواعد مربوط به وارانته در بیمه دریایی انگلستان^۱، در فرض نقض وارانته هیچ عذری - حتی فورس‌ماژور - قابل پذیرش نیست و صرف نقض وارانته کافی است تا بیمه‌گر از تعهد جبران خسارت معاف شود. در پرونده *WhitmoreHore v*^۲ در قرارداد بیمه وسیله، مقرر شده بود که در روز معین حرکت را آغاز کند، اما در روز مقرر قادر به حرکت نشد. در تصمیم‌گیری پرونده چنین تحلیل شد که صرف نقض وارانته کافی است تا تعهد بیمه‌گر ساقط شود.

در پرونده *Douglas vScougall*^۳ لرد الدان^۴ چنین بیان داشته است: «ضرورتی به تحقیق درخصوص آنکه مالک با حسن نیت بوده و صادقانه در حمل و نقل عمل کرده یا خیر نیست، بلکه اگر اشتباه کرده و شناور قابلیت دریانوردی نداشته باشد، نقض وارانته محقق شده و بیمه‌گر مسئول نیست». بدین ترتیب حداقل در قانون بیمه دریایی ۱۹۰۶ انگلستان نقض وارانته بلافاصله و از تاریخ نقض سبب سقوط تعهد بیمه‌گر بوده و هیچ دفاعی در مقابل نقض وارانته قابل پذیرش نبوده است. این تئوری قابل دفاع نبود و سبب انتقادات زیادی شد که در نهایت قانون بیمه دریایی در سال ۲۰۱۵ اقدام به اصلاح مقرر مذكور نمود.

ب) نقض تعهد

طبق این دیدگاه شرط سقوط حق زمانی مؤثر است که نقض تعهد اتفاق افتاده باشد و صرف عدم انجام تعهد نمی‌تواند منتهی به سقوط حق بیمه‌گذار شود. نقض تعهد قراردادی زمانی واقع می‌گردد که بیمه‌گذار بدون عذر موجه^۵ از ایفای تعهدات قراردادی که به موجب قرارداد بر عهده بیمه‌گذار قرار دارد - مانند تعهد تسلیم مدارک لازم به بیمه‌گر، تعهد سپردن هدایت دادرسی به بیمه‌گر در دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گذار یا اطلاع‌رسانی وقوع حادثه در مهلت معین و ... - امتناع کند. اجرای نادرست، ناقص و معیّب نیز در حکم عهدشکنی است. دومین نظر راجع به ضمانت اجرای سقوط حق را می‌توان این چنین توصیف کرد که ضمانت اجرای سقوط حق در فرض نقض تعهد مؤثر است؛ یعنی عدم ایفای تعهدات قراردادی منسوب به بیمه‌گذار باشد.

ج) نقض تعهد به عمد

سومین دیدگاه راجع به نحوه اثر ضمانت اجرای سقوط حق آن است که اولاً نقض تعهد قراردادی صورت پذیرفته و ثانیاً نقض تعهد به عمد واقع شده باشد. نقض قرارداد گاه به نحو عامدانه و با سوءنیت صورت می‌گیرد، مانند آنکه متعهد به‌رغم

^۱ خصایص شرط وارانته طبق قانون بیمه دریایی ۱۹۰۶ انگلستان عبارتند از: اول ضرورت انطباق؛ بدین معنا که ضرورت دارد موضوع وارانته به دقت رعایت شود. دوم فقد احتیاج به رابطه نقض وارانته و آسیب وارده و حادثه موضوع قرارداد بیمه؛ به‌عنوان مثال، ممکن است شرط وارانته عدم تغییر نام شناور باشد، حال آنکه حادثه موضوع قرارداد بیمه سرقت باشد. سوم فقد قابلیت جبران نقض وارانته؛ به این مفهوم که در فرض نقض وارانته، سقوط تعهد واقع می‌شود و قابل جبران نیست. چهارم غیرقابل پذیرش بودن دفاع برابر نقض وارانته؛ بدین معنا که عذری بابت نقض وارانته پذیرفته نیست (Soyer, 2001, p.157).

^۲ (1778) 2 Cowp 784; s 33(3) of the Marine Insurance Act 1906 (UK) (MIA 1906).

^۳ (1816) 4 Dow 269, p 276.

^۴ Eldon

^۵ باید ثابت شود که علت خارجی وفای به عهد را ناممکن نساخته و می‌توان عهد شکنی را به طرف قرارداد نسبت داد (کاتوریان، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۷۶). ممکن نبودن اجرای عقد - خواه از آغاز باشد یا در اثر واقعه خارجی حادث شود - مدیون را از اجرای عقد معاف می‌کند.

توانایی لازم بر اجرای قرارداد، از آن طرفه می‌رود. در مواردی نیز نقض قرارداد غیر عمدی و بدون سوءنیت است و به همان علتی که در حوزه حقوق مسئولیت مدنی - مانند ماده ۳۲۵ قانون مدنی^۱ - نیت مرتکب در نوع و کیفیت ضمانت اجرا تأثیر دارد، در نظام قراردادی نیز می‌توان قائل به تفکیک شد. از برخی مواد قانون مدنی از جمله ماده ۶۳۱^۲ که به تبدیل ید امانی به ضمانی از تاریخ امتناع اشاره دارد، می‌توان این موضوع را استنباط کرد.

دکترین حقوقی تقسیم بندی در نقض تعهد قراردادی در دو فرض به موضوع اشاره کرده‌اند: اول؛ نقض عمدی قرارداد در فرضی که عهد شکنی به منظور اضرار به طرف قرارداد باشد یا متعهد به عمد از وفای به عهد و اجرای پیمان خودداری کند، بدون اینکه به نتایج نامطلوب آن بیندیشد. در فرض اخیر، متعهد در پی جلب منفعت است نه اضرار، لیکن با حسن نیت به التزام خود نمی‌نگرد. دوم؛ نقض تعهد سنگین یا در حکم عمد؛ تقصیری که در دید عرف به احتمال فراوان (ظن قوی) به نقض تعهد منتهی می‌شود، چنانکه به‌طور معمول پایبند به قرارداد به آن دست نمی‌زند، در حکم عمد است، هرچند قصد اضرار شخص مرتکب در آن احراز نشود. معیار درجه احتمال وقوع خسارت را می‌توان در ماده ۱۱۶ قانون دریایی^۳ نیز مشاهده کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۶۰).

در حقوق خارجی و اسناد بین‌المللی از جمله اقسام نقض قرارداد (غیر از عدم اجرا یا اجرای ناقص یا تأخیر اجرا) نقض عمدی یا غیرعمدی است. تعاریف مختلف درخصوص نقض عمدی و با سوءنیت قرارداد ارائه شده که از آنها می‌توان به برخی موارد اشاره کرد. اول؛ نقض قرارداد زمانی عمدی است که انگیزه ناقض قرارداد از نقض قرارداد، تحصیل منفعت بیشتر و یا احتراز از زیانی است که در صورت اجرای قرارداد به وی تحمیل می‌شود (Martin, 2014, P.145).

دوم؛ نقض قرارداد زمانی عمدی است که آگاهانه و به همراه قصد و منظور و به عبارتی خودخواسته است. به‌عنوان مثال، در پرونده Garland coal & Mining Copeevyhouse v. خوانده متعهد به انجام تعمیرات خاصی در زمین پس از اتمام حفاری شده، اما در موعد انجام تعهد مشاهده می‌کند که انجام تعمیرات هزینه زیادی دارد؛ به همین دلیل از انجام تعمیرات خودداری می‌کند (Craswell, 2009, p.1502).

سوم؛ هر نقض آگاهانه‌ای که طرف ناقض باید در قبال آن پاسخگو باشد و به طرف دیگر منفعتی نمی‌رساند، می‌تواند ذیل عنوان نقض عامدانه قرار گیرد (Marscall, 1982, p.733). بدین ترتیب اثر سقوط حق در فرض نقض تعهد به عمد، مطلق است و با میزان خسارت وارده در اثر عدم انجام تعهد بی‌ارتباط است. در سقوط حق، حق موجود از بین می‌رود (soutel, p.488). حق بیمه‌گذار با وقوع حادثه موضوع قرارداد بیمه ایجاد می‌شود، لیکن با تقصیر و نقض تعهد قراردادی بعد حادثه و به‌عنوان تنبیه ساقط می‌گردد.

۱. اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او نیز می‌تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع کند اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند، بایع حق رجوع به مشتری نخواهد داشت.

۲. ماده ۶۳۱ قانون مدنی: هرگاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امان قرار داده باشد مثل مستودع است بنابراین مستأجر نسبت به عین مستأجره قیم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی‌علیه و امثال آنها ضامن نمی‌باشد مگر در صورت تفریط یا تعدی و در صورت استحقاق مالک به استرداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف یا امکان رد متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود اگر چه مستند به فعل او نباشد.

۳. ماده ۱۱۶ قانون دریایی: هرگاه ثابت شود علت خسارت فعل یا ترک فعلی باشد که متصدی حمل عمداً یا با علم بر احتمال وقوع خسارت انجام داده در این صورت از تحدید مسئولیت مقرر در ماده ۱۱۵ نمی‌تواند استفاده نماید.

۲-۲-۲. سقوط حق نسبی

در این فرض نقض تعهد به نسبت خسارت وارده به بیمه‌گر سبب سقوط حق بیمه‌گذار می‌شود. بدین ترتیب بیمه‌گر باید اولاً نقض تعهد، ثانیاً ورود ضرر و ثالثاً رابطه سببیت میان آن دو را اثبات کند. این دیدگاه از حیث مبنا به مسئولیت مدنی نزدیک می‌شود. این دیدگاه به ماهیت تنبیهی شرط سقوط حق معتقد نیست.

الف) نقض تعهد

عدم اجرای عقد یا در نتیجه ناتوانی متعهد یا خودداری وی است. ناتوانی عارضی است و پس از قرارداد، اگر ناشی از تقصیر مدیون نباشد - خواه ناتوانی مادی باشد و خواه حقوقی - برای وی مسئولیت ایجاد نمی‌کند، لیکن عدم اجرای قرارداد اگر بر مبنای خودداری عمدی یا غیرعمدی متعهد باشد، ضمانت‌آور است و در اختلاف طرفین در ایفای تعهد - تعهدی که موضوع آن انتقال مال یا انجام کار است - خودداری مدیون اقدامی منفی است که طلبکار احتیاجی به اثبات آن ندارد و متعهد باید وفای به عهد را ثابت کند؛ ولی در تعهدی که موضوع آن انجام ندادن کار است، خودداری اقدامی مثبت است که باید توسط طلبکار ثابت شود، چرا که «اصل عدم» انکار متعهد را توجیه می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۳۹).

در قرارداد بیمه، تعهدات ضمن عقد بیمه‌گذار که با ضمانت اجرای سقوط حق مواجه است، غالباً انجام فعل است. به همین دلیل اثبات ایفای تعهد بر عهده بیمه‌گذار است. ضمن آنکه با توجه به تقسیم موضوع تعهد به وسیله و نتیجه، به نظر می‌رسد آنچه بر عهده بیمه‌گذار قرار می‌گیرد نتیجه مطلوب است نه آنکه در انجام تعهدات قراردادی کوشش کند و همه صلاحیت‌های خود را به کار گیرد.

ب) ورود زیان به بیمه‌گر

درخصوص ورود ضرر باید گفت که عهدشکنی به خودی خود ایجاد مسئولیت نمی‌کند، بلکه مقتضای آن را فراهم می‌آورد. پس اگر زبانی به طلبکار نرسیده باشد، خسارتی از بدهکار اخذ نمی‌شود. قانون بیمه فرانسه در بند دوم ماده L175-17 مقرر داشته که بیمه‌گر می‌تواند سقوط حق را به صورت جزئی یا کلی، زمانی که بیمه‌گذار اظهارات نادرست به همراه سوءنیت درخصوص حادثه موضوع قرارداد داشته یا زمانی که تأخیر در اطلاع‌رسانی وقوع حادثه نموده، شرط کند و در فرض دوم لازم است ورد زیان به خود را اثبات نماید. از ظاهر ماده به نظر می‌رسد ورود زیان در فرض تأخیر در اطلاع‌رسانی حادثه توسط قانونگذار مقرر شده است. بدین ترتیب اگر بیمه‌گر بخواهد از ضمانت اجرای سقوط حق بابت نقض تعهد اطلاع‌رسانی وقوع حادثه استفاده کند، باید اثبات کند که از تأخیر اطلاع‌رسانی متضرر شده است.

در ضرورت اثبات ضرر گفته شده که از زمان قانون شماره ۸۹-۱۰۱۴ به تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۹، ماده L113-2 قانون بیمه برای حمایت بیشتر از بیمه‌گذاران مقرر داشته: «زمانی که بیمه‌گر می‌خواهد به شرط سقوط حق ضمن قرارداد بیمه بابت تأخیر در اطلاع‌رسانی وقوع حادثه استناد نماید، لازم است اثبات کند در نتیجه تأخیر در اطلاع‌رسانی حادثه متضرر شده است».

قانونگذار ایران نیز در ماده ۶ لایحه بیمه‌های تجاری مقرر داشته که چنانچه در بیمه‌نامه مهلتی برای اعلام خسارت تعیین نشده باشد، بیمه‌گذار یا ذی‌نفع باید حداکثر ظرف مهلت پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه، موضوع را به بیمه‌گر اطلاع دهد و وگرنه بیمه‌گر مسئول عواقب ناشی از تأخیر در اعلام خسارت نخواهد بود. ماده ۱۰ لایحه نیز تأکید کرده که بیمه‌گر نمی‌تواند بیمه‌گذار را به دلیل تخلف از قوانین و مقررات و یا تأخیر در اعلام خسارت به مقامات ذی‌ربط و یا تأخیر

در تهیه اسناد و مدارک، از دریافت خسارت محروم کند، مگر آنکه قوانین و مقررات مورد نظر یا شروط مربوط به تأخیر، به صراحت در بیمه‌نامه مشخص شده باشد.» علاوه بر این، طبق ماده ۱۱ لایحه، «بیمه‌گر در صورتی می‌تواند به تأخیرهای مقرر در این قانون علیه بیمه‌گذار استناد نماید که ثابت کند تأخیر موجب زیان وی شده است» (امینی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۰).

ج) رابطه سببیت

در خصوص ارتباط نقض و خسارت وارده، قانون بیمه فرانسه در ماده 2-113 L و قانون ایران در مواد ۱۰ و ۱۱ لایحه بیمه‌های تجاری ایران به این موضوع پرداخته است. در حقوق انگلستان وفق قانون ۱۹۰۶ بیمه دریایی و به موجب بند ۳ ماده ۳۳ از قانون، نقض واریانته به صورت خودکار و از تاریخ نقض، سبب سقوط تعهد بیمه‌گر به جبران خسارت می‌شد، حتی اگر نقض واریانته ارتباطی به حادثه نداشت. این موضوع سبب انتقادات زیادی توسط حقوقدانان به نحوه قانونگذاری شد. رویه قضایی کوشید تا به نحوی این نقیصه را جبران کند. به عنوان مثال، در پرونده *Existological Laboratories Ltd v Foremost Insurance Co* بیمه‌نامه شرطی مقرر نموده بدین مضمون که بیمه‌گذار باید نگهداری بر عرشه کشتی از ساعت ۲۲ شب تا ۶ صبح و دستورالعمل خاموش نمودن تجهیزات در مواقع اضطراری داشته باشد. دادگاه در رسیدگی به اختلاف طرفین این شرط را جزو شروط تعیین‌کننده موضوع و محدوده قرارداد^۱ که قابل جبران هستند، تعریف و توصیف نمود و این چنین استدلال کرد که قصد و نیت طرفین آن نبوده که اگر نگهداری یک شب تأخیر داشت یا حتی حضور نداشت، بیمه‌گر از کلیه تعهدات خود در جبران خسارت معاف شود. سختی ضمانت اجرای نقض واریانته در برخی دیگر از حوزه‌های قضایی در حال تعدیل و طبق بخش ۹ قانون بیمه استرالیا^۲ نقض واریانته در خصوص قایق‌های تفریحی سبب سقوط حق بیمه‌گذار نمی‌گردد. این موضوع به نحو دیگری در قانون بیمه کانادا نیز منعکس است.^۳ اثبات رابطه سببیت میان نقض و ورود خسارت در قانون نیوزلند نیز پذیرفته شده است.^۴ این تغییر و تحولات موجود در زمینه نقض واریانته سرانجام منتهی به تغییر دیدگاه قانون‌گذار انگلیسی شده و در قانون ۲۰۱۵ انگلستان در بند ۱ و ۲ ماده ۱۰ نتیجه نقض واریانته را از سقوط تعهد بیمه‌گر به تعلیق تضمین تغییر داده است.^۵ به عنوان مثال، اگر واریانته قرارداد بیمه در خصوص مالی که بیمه شده مشروط به نصب آژیر سرقت تا تاریخ اول آوریل باشد و تا تاریخ مذکور نصب اتفاق نیفتد، نقض واریانته واقع شده است؛ اما چنانچه پس از آن تاریخ - مثلاً ۱۵ آوریل - نصب آژیر صورت پذیرد، تعهد بیمه‌گر بر جبران خسارت باقی خواهد بود. در این مثال تعهد بیمه‌گر از ۱ تا ۱۵ آوریل معلق خواهد بود (Gurses, Merkin, 2015, p.1007).

بدین ترتیب در صورت نقض واریانته تعهد بیمه‌گر معلق می‌گردد، لیکن اگر ریسک به آنچه در ابتدای توافق شده بازگردد، تعهد بیمه‌گر ادامه خواهد یافت (Baris, 2013, p.387) مگر نقض تعهدی که غیرقابل جبران باشد، مانند واریانته راجع به حفظ محرمانگی که در فرض نقض قابل جبران نیست. مطابق آخرین اصلاحیه، صرف نقض واریانته سبب سقوط تعهد بیمه‌گر نمی‌شود و در موردی که بی‌ارتباط با خسارت وارده باشد، اثری بر تعهد بیمه‌گر به جبران خسارت ندارد و بیمه‌گذار با اثبات اینکه نقض صورت پذیرفته ارتباطی با خسارت وارده ندارد، از پوشش بیمه برخوردار خواهد بود (بند ۳

¹ clause delimiting the risk.

² 9A Exclusion of pleasure craft from the Marine Insurance Act 1909 (Insurance Contract act 1984 AUSTRALIA).

³ Effect of breach of warranty (Article 39)

⁴ the New Zealand ILRA 1977, s 11, which applies to non-marine insurance.

⁵ Any rule of law that breach of a warranty (express or implied) in a contract of insurance results in the discharge of the insurer's liability under the contract is abolished. -An insurer has no liability under a contract of insurance in respect of any loss occurring, or attributable to something happening, after a warranty (express or implied) in the contract has been breached but before the breach has been remedied.

ماده ۱۱ قانون بیمه ۲۰۱۵^۱. به عنوان مثال، اگر مال بیمه شده در نتیجه سیل آسیب ببیند، بیمه‌گر نمی‌تواند به نقض وراثتی نصب آب‌پاش جهت عدم جبران خسارت استناد کند، به این علت که آسیب در نتیجه سیل واقع شده و تعهد به نصب آب‌پاش به آتش‌سوزی مرتبط است (Pantland; Jones, 2014, p.353).

۳. دیدگاه منتخب

در داوری میان دیدگاه‌های پیش‌گفته می‌توان گفت که درخصوص نقض تعهد و عدم ایفای تعهد، قطعاً سقوط حق با نقض تعهد قابل اعمال است و نمی‌توان قائل به اعمال سقوط حق در فرض عدم انجام تعهد بود. لیکن راجع به اعمال ضمانت اجرای سقوط حق در فرض نقض تعهد، باید میان دیدگاهی که قائل به قابلیت اعمال سقوط حق در فرض نقض تعهد عمدی و دیدگاهی که معتقد به ماهیت مسئولیت مدنی سقوط حق است، قائل به تفکیک بود. به نظر می‌رسد با توجه به تعاریف حقوقی و بیمه‌ای Decheance، این نهاد در حقوق فرانسه برای تنبیه ذی‌حق استفاده می‌شود و حتی نویسندگان حقوق بیمه فرانسه راجع به اینکه قانونگذار شرط استناد به سقوط حق در مورد تأخیر در اطلاع‌رسانی حادثه را اثبات ورود خسارت دانسته، انتقاد کرده‌اند و معتقدند این اقدام قانونگذار سبب سردرگمی در مفهوم سقوط حق است (Lambert-Faivre, 2017, p.428). به همین دلیل درخصوص شرط ورود زیان در تأخیر در اطلاع‌رسانی وقوع حادثه، معتقدند که هنگام نقض تعهد به عمد، ضرورتی به اثبات ورود خسارت نیست. ضمن آنکه شرط اثبات ورود زیان تنها راجع به تأخیر در اطلاع‌رسانی قابل اجراست و درخصوص نقض سایر تعهدات بیمه‌ای لزومی به اثبات ورود زیان نیست و باید سوءنیت اثبات شود (Nogero, 2018, 99).

در بررسی قانون بیمه فرانسه می‌توان مواد قانونی‌ای یافت که به ضرورت اثبات سوءنیت بیمه‌گذار اشاره می‌کند. از جمله مواد قانونی قابل ذکر می‌توان به مواد R421-15^۲ و L175-18^۳ و L176-1^۴ قانون بیمه فرانسه، نیز ماده L172-28^۵ قانون بیمه دریایی فرانسه اشاره کرد.

رویه قضایی در محاکم حقوقی فرانسه نیز بر ضرورت اثبات سوءنیت تأکید دارند.

دو پرونده مربوط به بیمه اتومبیل نزد شرکت MACIF^۶ در این زمینه قابل ذکر است. پرونده نخست مربوط به سرقت اتومبیل و دومی مربوط به تخریب خودرو قبل از آتش‌سوزی است. در قرارداد، ضمانت اجرای سقوط حق این‌گونه پیش‌بینی شده است: «هرگونه اعلام نادرست در مورد ماهیت، علل، شرایط و عواقب حادثه یا هرگونه استفاده از وسایل متقلبانه، شما را

¹ The insured satisfies this subsection if it shows that the non-compliance with the term could not have increased the risk of the loss which actually occurred in the circumstances in which it occurred.

² Les notifications effectuées dans les conditions prévues aux alinéas précédents ont pour effet, même si le fonds de garantie n'est pas intervenu à l'instance, de rendre opposable à celui-ci la décision rendue sur la demande d'indemnité. Toute mention inexacte contenue dans les notifications est sanctionnée, en cas de mauvaise foi, par la déchéance du recours éventuel du demandeur contre le fonds de garantie.

³ L'assuré doit déclarer dans les délais prévus au contrat d'assurance tout sinistre dont il a connaissance.

L'assureur peut prévoir une clause de déchéance totale ou partielle lorsque l'assuré a fait de mauvaise foi une déclaration inexacte relative au sinistre ou lorsque l'assuré a déclaré tardivement le sinistre. Dans cette dernière hypothèse, l'assureur doit prouver que ce retard lui a causé un préjudice

⁴ Les contrats d'assurance ayant pour objet de garantir la responsabilité civile relative à une opération spatiale sont régis par les dispositions des articles L. 175-4, L. 175-8, L. 175-11 à L. 175-15, L. 175-18, L. 175-19, L. 175-21, L. 175-22, L. 175-28 et L. 175-29 ainsi que par les dispositions du présent chapitre.

⁵ L'assuré qui a fait de mauvaise foi une déclaration inexacte relative au sinistre est déchu du bénéfice de l'assurance.

⁶ Assurance en ligne pour particuliers et professionnels.

از هرگونه حقی نسبت به ضمانت محروم می‌کند و در معرض پیگرد کیفری قرار می‌دهد^۱. بیمه‌گر هنگام انعقاد قرارداد، از بیمه‌گذار خواسته که پرسش‌نامه‌ای حاوی اطلاعات مختلف را - که غالباً تکراری هستند - پر کند و اسناد مختلفی درباره خرید وسیله، تاریخ خرید، نو یا دست‌دوم بودن، قیمت، روش پرداخت، شرایط خرید و وضعیت آن یا مسافت پیموده شده ارائه دهد. در پرونده سرقت، بیمه‌گذار حین اعلام وقوع حادثه، فاکتور تعمیر خودرو به تاریخ ۲۶ ژوئن ۲۰۱۲ را ارائه داده که مطابق آن، مسافت پیموده شده ۸۷/۳۲۵ کیلومتر بوده، درحالی‌که وی در تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۱۲ اعلام کرده که وسیله حدوداً ۸۰/۰۰۰ کیلومتر مسافت پیموده است؛ بدین ترتیب او اظهار نادرست (کذب) داشته است. دادگاه تجدیدنظر «آمیان» با استناد به همین موضوع، به سقوط حق استناد کرد و حکم به محرومیت بیمه‌گذار از حق جبران خسارت نمود. در پرونده خسارت آتش‌سوزی نیز بیمه‌گر به چند مورد نادرستی اطلاعات اعلامی مؤثر در تعیین غرامت، مربوط به ارزش خرید و مسافت پیموده شده وسیله نقلیه استناد کرد و دادگاه «اکس آن پرووانس»^۲ در حکم مورخ ۲۷ آوریل ۲۰۱۷ حکم به محرومیت بیمه‌گذار از دریافت خسارت کرد. لیکن این دو تصمیم وفق ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی ۱۸۰۴ (۱۱۰۴ اصلاحی مورخ ۱۰ فوریه ۲۰۱۶)^۳ مورد پذیرش دیوان عالی قرار نگرفته و دادگاه مذکور با توجه به اینکه اصل در انعقاد و اجرای قراردادها حسن نیت است، شرط نفوذ ضمانت اجرای سقوط حق را اثبات سوءنیت بیمه‌گذار در اظهار نادرست تعیین و تعریف کرده است. بدین ترتیب مطابق ماده ۲۲۷۴ قانون مدنی^۴ فرانسه، حسن نیت مفروض اصلی و اثبات سوءنیت بر عهده مدعی است. از این رو بیمه‌گری که می‌خواهد برای خودداری از پرداخت خسارت در هنگام حادثه به سقوط حق استناد کند، باید سوءنیت بیمه‌گذار را فراتر از ماهیت اشتباه اظهار کذب ثابت کند. اظهار کذب خطر بر اساس ماده ۸-۱۱۳ L قانون بیمه فرانسه، اگر همراه با سوءنیت و قبل از وقوع حادثه باشد، می‌تواند به بطلان قرارداد منجر شود.

لیکن پس از وقوع حادثه برای آنکه سقوط حق اعمال شود، لازم است اظهار کذب آگاهانه یا با سوءنیت صورت گرفته باشد (Noguero, 2018:1845). مضافاً آنکه حقوق بیمه ایران حداقل درخصوص ضمانت اجرای سقوط حق، اقتباسی از حقوق بیمه فرانسه است و هرچند دیدگاه مطرح در حقوق انگلستان راجع به ضرورت اثبات رابطه سببیت میان ورود زیان و نقض تعهد نیکوست، به نظر می‌رسد تنبیهی دانستن ماهیت شرط سقوط حق و ضرورت اثبات نقض با سوءنیت تعهد، بهتر منافع بیمه‌گذار را تأمین می‌کند.

نتیجه

با وقوع حادثه موضوع قرارداد، تعهد بیمه‌گر از «پوشش خطر» به «جبران خسارت» تبدیل می‌شود. اثر شرط سقوط حق این است که حق مطالبه جبران خسارت در رابطه قراردادی بیمه‌گر و بیمه‌گذار (در بیمه‌های اشخاص و خسارت) از بین می‌رود. از نظر حقوقی، این شرط بر دو مبنای مسئولیت مدنی و مجازات خصوصی و از نظر فقهی بر دو مبنای شروط و قاعده اقدام قابل تحلیل است. به نظر می‌رسد که از نظر حقوقی، سقوط حق را باید مجازات خصوصی و از نظر فقهی آن را بر مبنای قاعده اقدام استوار دانست. راجع به اثر شرط سقوط حق در قرارداد بیمه دو دیدگاه عمده قابل اشاره است. طبق یک دیدگاه، نقض تعهد توسط بیمه‌گذار، ورود زیان و اثبات رابطه سببیت شرط است و ضروری است که توسط بیمه‌گر اثبات شود که در

1. Toute fausse déclaration sur la nature, les causes, les circonstances ainsi que les conséquences du sinistre, ou toute utilisation de moyens frauduleux, vous prive de tout droit à garantie et vous expose à des poursuites pénales.

2. La cour d'appel d'Aix-en-Provence.

3. Les contrats doivent être négociés, formés et exécutés de bonne foi.

4. Article 2274: La bonne foi est toujours présumée, et c'est à celui qui allègue la mauvaise foi à la prouver.

این فرض، سقوط حق به مسئولیت مدنی نزدیک می‌گردد. دیدگاه دیگر آن است که بیمه‌گر باید نقض عمدی تعهد توسط بیمه‌گذار را اثبات کند تا امکان استناد به شرط را داشته باشد. این دیدگاه سقوط حق را به مجازات خصوصی نزدیک می‌کند. به نظر می‌رسد که با توجه به مبنای شرط و نظریات حقوقدانان از جمله حقوق بیمه فرانسه به عنوان خاستگاه این ضمانت اجرا، دیدگاه دوم به صحت نزدیک‌تر است. به عنوان پیشنهاد تحقیق می‌توان ماده قانونی پیشنهادی جهت تکمیل ماده ۱۵ قانون بیمه ۱۳۱۶ را چنین مقرر نمود:

«بیمه‌گر زمانی می‌تواند به ضمانت اجرای سقوط حق مقرر در قانون بیمه علیه بیمه‌گذار استناد نماید که اثبات کند در فرض وقوع حادثه موضوع قرارداد نقض تعهد قراردادی به عمد و با سوءنیت از طرف بیمه‌گذار واقع شده است.»

منابع

الف) منابع فارسی

۱. ایزانلو، محسن (۱۳۹۷)، الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، جلد ۳: بیمه مسئولیت، تهران، گنج دانش.
۲. امینی، منصور (۱۳۸۴)، «لایحه بیمه تجاری (۱۳۸۴/۴/۲۷)؛ تلاش برای رفع ابهامات موجود در قانون بیمه»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۸، صص ۲۵۷-۲۶۴.
۳. امینی، منصور؛ میرزایی، علی محمد (۱۳۹۱)، «دعوی مستقیم مفهوم، شرایط و آثار»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۵، ویژه‌نامه شماره ۱۱، صص ۳۲۹-۳۵۸.
۴. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان.
۵. بابایی، ایرج (۱۳۹۸)، حقوق بیمه، تهران، سمت.
۶. روپیک، سیامک (۱۳۸۳)، منع سوءاستفاده از حق در نظریه‌های حقوقی و مفاهیم قرآنی، مطالعات اسلامی، صص ۷۷-۶۳.
۷. شیرازی، مکارم (۱۳۷۰)، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه الامام علی ابن ابی طالب.
۸. شمس، عبدالله (۱۳۹۴)، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک.
۹. شکوهی زاده، رضا؛ صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۹۲)، حقوق بیمه، جلد اول: کلیات عقد بیمه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۱۱. _____ (۱۴۰۰)، دوره حقوق مدنی: حقوق تعهدات، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۲. صفایی، سید حسین، (۱۳۸۷)، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
۱۳. صادقی مقدم، محمدحسن؛ شکوهی زاده، رضا (۱۳۹۲)، حقوق بیمه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۵. موسوی بجنوردی، محمدحسن (۱۴۰۱ ق)، قواعد فقهیه، تهران، مؤسسه عروج.
۱۶. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ق)، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۷. محمدی، سام (۱۳۸۸)، «ماهیت حقوقی تعهد به نفع ثالث»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۱، صص ۲۸۷-۲۷۱.
۱۸. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۱۹ ق)، العروه الوثقی فیما تعم به البلوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ب) منابع لاتین

1. Lambert-Faivre(Yvonne), (2017). Droitdes assurances,14 edition, Dalloz.
2. Mayaux, Luc (2007). Assurances Terrestres (2o le contratd'assurance), Rép. Civ. Dalloz.
3. Merkin Robert and ozlem Gurses, "The Insurance Act 2015: Rebalancing the Interests of Insurer and Assured. The Modern Law Review", (2015), Issue 6,1004-1027
4. Noguéro, David (2018). "Jeu de la déchéance de garantie : 69revue de la mauvaisefoi de l'assuré à la charge de l'assureur" RecueilDalloz, ISSN 0034-1835, N°. 33, 2018, págs. 1845-1850, Accessed: https://www.dalloz-revues.fr/Recueil_Dalloz-cover-72432.htm (Accessed 8march2022).
5. Noguéro, David (2018). "Assurance des activite de santé", Journal de Droit de la Sante et de l'Assurance Maladie, Numero 21, p 88-99, p 99 Accessed :<http://www.davidnoguero.com> (Accessed 27 February 2022).

6. Picard, Morris et Besson, Andre, Les Assurance Terrestres en Droit Francais, Tom.1, le contrat d'assurance, 4 ed.L.G.D.J, 1975.
7. Patrica H. Marscall, (1982). "Willfulness: A Crucial Factor in Choosing Remedies for Breach of Contract". Arizona law review, 24, P 733https://heinonline.org/hol-cgi-bin/get_pdf.cgi (Accessed 8 June 2022).
8. Richard Craswell,(2009). "When Is a Willful Breach "Willful"? The Link Between Definitionsand Damagesand Damage",Michigan Law Review, volume 107, Issue 8, p.p1501-1516, p1502 [https:// repository.law.umich.edu](https://repository.law.umich.edu) (Accessed 6 may 2022).
9. Sautel, Olivier (1999). "Sur la déchéance en droit privé"(contribution à la théorie de la permanence de la cause)",RecueilDalloz, pp.487-498 Accessed: <https://halshs.archives-ouvertes.fr/halshs-02205501> (Accessed 1march 2022).
10. Soyer, Baris (2001). Warranties In Marine Insurance, London • Sydney ,Cavendish Publishing Limited.
11. Soyer, Bris, Beginning of a New Era For Insurance Warranties, (2013). Lioyd's maritime and commercial law quarterly, 384-400.
12. The Right Honourable Lord Justice Lloyd Jones, Chairman, Law Commission,Professor Elizabeth Cooke, David Hertzell, Professor David Ormerod QC, Nicholas Paines QC; The Honourable Lord Pentland, Chairman, Scottish Law Commission,Laura J Dunlop QC, Patrick Layden QC, TD, Professor Hector L MacQueen, Dr Andrew J M Steven,(2014). Insurance Contract Law: Business Disclosure; Warranties; Insurers' Remedies For Fraudulent Claims; And LatePayment
13. Van Kogelenberg, Martijn,(2014). "Deliberate Breach of Contract and Consequences for Remedies: Exploration of a Neglected Area in the Law of Contract",Maastricht Journal Of European and Comparative Law, Volume :21 issue: 1, page 141-161, p145.

